

## بررسی جایگاه معماری در اندیشه اسلامی

### چکیده

موضوعی که در این رساله مورد بحث قرار گرفته معماری اسلامی می‌باشد. معماری اسلامی طراحی و ساخت و ساز اماکن و ابنیه بر اساس فرهنگ اسلامی می‌باشد که در طول تاریخ فرهیختگان و پیشکسوتانی به این امر پرداخته و جزء یکی از ضرورت‌های زندگی اسلامی گردیده است.

معماری اسلامی با رعایت اصول و ضوابطی به دست می‌آید همچنین برای حفظ و نهادینه شدن در جامعه نیازمند قرار دادن اطلاعات و بیان نمودن ویژگی‌های معماری اسلامی در ضمن آیات و روایات است. چنانکه بحث‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی در این زمینه نیز بر اهمیت موضوع می‌افزاید.

هدف کلی در این پژوهش بیان قسمتی از تاریخچه معماری اسلامی، اصول و آثار آن می‌باشد. در این پژوهش سعی شده در کنار بیان تاریخچه معماری اسلامی، اصول و آثار نمونه‌هایی از این معماری که مسکن و مسجد به عنوان دو نمونه از ابنیه آن محسوب می‌شود اشاره شود و تا حد امکان مسائل را به صورت کاربردی بیان نماید.

**واژگان کلیدی:** معماری، معماری اسلامی، معنویت، مسجد، مسکن، آرامش.

## طرح بحث

فرهنگ هر جامعه در برگرفته مجموعه ارزش ها، باورها، مهارت‌ها، هنرها و تمام آداب و رسومی است که به رفتار مردم آن شکل داده و سمت و سو می‌بخشد. به بیان دیگر ویژگی‌های فرهنگی هر کشور شناسنامه آن ملت است و هویت قومی و دینی آن را متجلی می‌سازد.

در این میان هنر معماری جایگاهی خاص می‌یابد و پیام ویژه و جامعی برای سایر فرهنگ‌ها دارد. معماری اسلامی با پیشینه دهها قرن و اصالت و غنای کم نظیر خود تأثیر چشم‌گیری بر سبک معماری بسیاری از کشورهای جهان داشته است. چنانکه سبب شده است بسیاری از مجموعه داران غربی به گردآوری آثار معماری اسلامی بپردازند. با وجود آثار زیادی که از معماری اسلامی بر جای مانده توجه و تفکر نسبت به این مقوله کمتر شده است و این امر در بیشتر مواقع سبب از بین رفتن آرامش و نیز آسایش شده است. دو مقوله‌ای که رکن اساسی زندگی را تشکیل می‌دهد و جزء مهم‌ترین نیازهای بشری تلقی می‌گردد، در این میان معطوف نمودن اذهان به پیشینه اسلامی و راهکارهای قرآنی و روایی در این زمینه کاری ارزشمند محسوب می‌شود.

پژوهش مورد نظر پیرامون معماری اسلامی است از آنجایی که مسجد و مسکن جزء مهم‌ترین ابنیه معماری اسلامی تلقی می‌گردد در این رساله سعی شده از اماکن دیگری همچون حمام‌ها، کاروانسراها، بازارها، مقابر و آرامگاه‌ها، خیابان‌های شهر، محله، جاده‌ها و... را که طیف عظیمی از معماری اسلامی را شامل می‌شود، سخن به میان آورده نشود و فقط به این دو عنوان پرداخته شود. تحقیق پیش روی شامل تاریخچه معماری است که نخست تاریخچه معماری اسلامی و چگونگی تکامل آن در اعصار مختلف مورد بحث قرار می‌گیرد. و در ادامه تاریخچه معماری مساجد جامع جهان مورد بررسی قرار گرفته است.

در بخش دیگر اصول معماری اسلامی که شامل اصول مادی از دیدگاه آیات و روایات و اصول معنوی معماری اسلامی از جمله پرهیز از تجمل‌گرایی، عدم تقلید از غیر مسلمان و عدم ضرر به دیگران پرداخته شده است.

و در پایان آثار معماری اسلامی که به آثار جسمی از قبیل تأمین بهداشت و سلامت و آسایش



جسمی و آثار روحی از جمله آن آرامش و عوامل آن مثل طراحی فضا است، حفظ حیا و عفت نیز به عنوان اثر دیگر آن مورد بحث قرار گرفته است.

### تاریخچه معماری اسلامی

در بیان تاریخچه و قدمت معماری می‌توان گفت که قدمت آن همراه با وجود بشریت بر کره خاکی بوده است با این اختلاف که در ابتدا بسیار ابتدایی بوده اما با گذشت قرون و اعصار متمدنی تکامل یافته است و این هنر عظیم از حد سرپناه و مسکن به ابنیه‌ها و موارد دیگر نفوذ پیدا کرده است. اگرچه نتیجه کار در جوامع مختلف به هیچ روی یکسان و یکنواخت نمی‌شد اما در هر حال معماری و ایجاد پناهگاه و مسکن و ساخت دیگر اماکن در حال پیشرفت بود. در این حین برخی از جوامع عمل‌گراتر از دیگران بوده و بعضی نیز به جنبه‌های نمادین توجه بیشتری داشتند. گروهی بر انبارهای غله و دیگرانی بر پرستشگاه‌ها تأکید خاصی می‌ورزیدند.

اما در مورد منشأ معماری اسلامی دو نظریه اساسی مخصوصاً در میان مستشرقینی که در این زمینه مطالعه و تألیف داشته‌اند وجود دارد: عده‌ای منشأ آن را رمز و رازهای نهفته در تعالیم عارفانه اسلام (که توسط وحی به ما رسیده) می‌دانند و کعبه را نخستین منبع الهام‌بخش می‌شمرند. به گفته آنان توحید متجلی در قبله، نخستین تحول را در ذوق هنری مسلمانان پدید آورد جهات چهارگوشه و شکل مکعب آن را مظهر ارکان اربعه عالم می‌دانند.

در مقابل عده‌ای دیگر معتقدند که اسلام در ابتدا فاقد هنر بوده و در برخورد با تمدن‌های ایران و روم، هنر را اقتباس کرده است آندره گدار چنین می‌گوید: خانه کعبه جز حصار از دیوارهای کوتاه و بامی از برگ و نخل نبود لذا نمی‌توانست مبدأی برای معماری اسلامی تلقی گردد، آن‌چه در این کار مؤثر بود برداشت مؤسسين اسلام از هنر پیش از اسلام و تعالیم پیامبر و فتوحات اسلامی بود که عناصر مختلف را در اختیار معماران مسلمان قرار داد تا آنها را طبق ذوق خود تغییر دهند. گرچه هر کدام دلائلی برای اثبات مدعای خود ذکر می‌کنند ولی به هر حال هر کدام از این دو نظر درست یا اشتباه باشند مطلب مورد نظر ما را نفی نمی‌کند.

نقطه اشتراک آن‌ها تکیه بر ذوق و سلیقه اسلامی در پیدایی هنر اسلامی است و اگر بدون تعصب



با این گونه نظرات برخورد کنیم خواهیم دید که تمامی آن‌ها با یکدیگر قابل جمع‌اند. (معمارزاده، تصویر و تجسم عرفان در هنرهای اسلامی، صص ۲۰۴-۲۰۳)

اما در ادامه برخی محققان می‌گویند که قدمت آن به ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان برمی‌گردد عربستان تا قبل از قرن هفتم میلادی با توجه به شرایط جغرافیایی و اقلیمی نامتعادل خود در حاشیه کانون‌های فرهنگی عظیم آن دوره قرار داشت و ساکنانش عمدتاً اعراب بادیه‌نشین بیابانگردی بودند که از طریق تجارت امرار معاش می‌کردند و از منابع ناچیز آن سرزمین کمتر بهره می‌جستند و هنرشان منحصر می‌شد به نساجی و بوریابافی، ساخت بت‌های مختلفی در هیئت جانوران، و ذوق هنری عالی نداشتند چنان‌که به قصور خود در این زمینه معترف بودند در نتیجه کمتر دارای مقر و مکان ثابت زندگی بودند و خیلی دست در هنر معماری نداشتند. اما با ظهور اسلام فرهنگ و سیاست عظیمی بر آن‌ها و اکثر بهره‌گیران اسلام حکم‌فرما شد که زمینه ایجاد بزرگ‌ترین تمدن را بوجود آورد.

از همان آغاز هجرت پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به مدینه طرح معماری عظیم اسلامی ریخته شد. و یکی از مهمترین اماکن مذهبی و مقدس مسلمانان به نام مسجد بنا نهاده شد.

در پی این تمدن و مذهب جدید در شبه جزیره عربستان سرعت و کثرت هجوم‌های اعراب بدوی در سده‌ی هفتم و هشتم میلادی (اول و دوم هجری) موجبات محو بناهای موجود را فراهم ساخت و استادکاران محلی را برای کار در ساخت محلات جدید بومی برانگیخت و این بنایان توانستند مفاهیم ذاتی دین جدید را وارد اشکال معماری آن بکنند. (رک: ارنست گروه و دیگران، معماری جهان اسلام، ص ۱۹۳)

آندره گدار محقق و ایران‌شناس برجسته‌ی فرانسوی به زبانی گویا و موجز هنر معماری دوره اسلامی را توصیف می‌کند. وی معتقد است:

«معماری اسلامی در حالی شروع به کار کرد که فاقد هرگونه علم و اطلاع و سابقه باستانی در هنر معماری بود به عبارت بهتر، کار را با دست خالی شروع کرد، اسلام هنگامی که اداره‌ی امور



امپراطوری وسیع خود را به دست گرفت می‌بایست خواهی نخواهی به تمام نیازمندی‌ها پاسخ می‌داد و ساخت بنا هم یکی از آن‌ها بود. بنابراین هرچه از عوامل و مصالح معماری در اطراف خود یافت به کار گرفت، بدون آن که نظری نسبت به انتخاب آن‌ها داشته باشد و بدون آن که اقتضای انتخاب کردن وجود داشته باشد یا بخواهد انتخاب کند. در مرحله اول تمام اقسام طاق، همچون طاق سوری، رومی، بیزانسی (نام قدیم قسطنطنیه، استانبول، امپراطوری که از ۳۳۰ تا ۳۹۵ در شرق به وجود آمد ابنیه مجلی که از آن به بیزانس تعبیر می‌شود در عهد ژوستین اول (۵۲۷-۵۶۵) بنا شد) و ایرانی را مورد استفاده قرار می‌داد و ستون‌ها و جرزها، آجر و سنگ، مرمر، موزائیک، نقاشی، حجاری، تمام طرق ساختمان و تزئین را که در کشورهای آسیای غربی معمول بود، بدون آن که یکی را بر دیگری ترجیح یا برتری دهد به کار برد. (معین، فرهنگ فارسی، ج ۵، ص ۳۰۹)

در آغاز کار فقط فرمان می‌داد و سفارش می‌کرد ولی در چگونگی کار مداخله نمی‌کرد، اما کمی بعد در راه تربیت و تکامل کار پیشرفت کرد و طولی نکشید که در آن چه از دیگران تقلید کرده بود تجدید نظر کرد و آن‌هایی را که با ماهیت و مقتضای او سازگاری نداشت و غریب می‌نمود و یا با سلیقه‌اش منطبق نبود حذف کرد و در واقع از کسوت سازنده به کسوت معمار ارتقاء یافت (گذار، هنر ایران، ص ۳۴۵؛ زندگی، حکمت هنر اسلامی، ص ۷۲) بله چنان که گفته شد معماری اسلامی در ابتدا به شکل ساده‌ای بود و در روند و جریان فتوحات و حکومت‌ها بوده است که به شکل جدید درمی‌آید. به طوری که با بررسی زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌بینیم که ایشان زندگی ساده‌ای داشتند محل سکونت ایشان بسیار ساده و با مواد ساختمانی ابتدائی چون تنه درختان ساخته می‌شد.

ایشان از هرگونه تجمل بیهوده صرف‌نظر می‌کردند به هیچ وجه نخواستند از قدرت روزافزون سیاسی - مذهبی خویش جهت ایجاد کاخ‌های عظیم و عبادت‌گاه‌هایی مجلل استفاده نمایند به همین جهت می‌بینیم اولین مسجد مدینه که به خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) متصل بود عبارت از مساحتی مربع شکل بود که دیواری از گل و سنگ آن را احاطه کرده و قسمتی از سقف آن با شاخه‌های درخت خرما و با لایه‌ای از گل، پوشیده شده بود. این سقف بر روی ستون‌هایی از



ساقه درخت خرما قرار داشت. و هدف اصلی از ساختن آن اجتماع نمازگزاران در مکانی وسیع بود که در ردیف‌هایی رو به سمت کعبه در مکه بایستند. علاوه بر آن نیز مکانی هم برای مدیریت تمامی اموری بود که مستقیم یا غیرمستقیم با این ارتباط داشت و همچنین محلی برای تعلیم و تربیت و حتی برای آسایش مسافران و خورد و خوراک آنان نیز محسوب می‌گردید. (علام، هنرهای خاورمیانه در دوران اسلام، ص ۱۸)

این روند یعنی استفاده از مسجدی بدون هیچ تجمل و اشرافی‌گری برای پاسخگویی اکثر امور از جمله قضاوت، مشاوره، بیان احکام و... ادامه یافت.

اما از سال ۶۶۱ میلادی (۴۰ هجری) تغییری اساسی بوجود آمد با به خلافت رسیدن خاندان اموی و انتقال محل خلافت از مدینه به دمشق، در پایتخت قدیمی سوریه، به سرعت ایجاد عبادت‌گاه‌هایی برای مذهب فاتح آغاز شد که از نظر تجمل در مقایسه با معابد و کلیسای مسیحیت چیزی کسر نداشت و برای آن که از نظر تشریفات درخشان درباری، پائین‌تر از حکومت بیزانس نباشد، می‌بایستی فعالیت شدیدی را در این زمینه شروع می‌کردند.

در این حین بر گستره فتوحات مسلمین (امویان) همچنان اضافه می‌شد. مذهب و شیوه زندگی عربی همچون آتشی لجام گسیخته نخست از طریق شمال آفریقا گسترش یافت و سپس در تلاش برای تصرف حتی اروپای غربی به سمت سیسیل و شبه جزیره ایبری گسیل شد.

یکی از پیامدهای این گسترش اراضی، پراکنده شدن الگوهای معماری اسلامی بود اگرچه در آغاز توجه عمدتاً معطوف به مسجد بود اما بعدها طیف گسترده‌ای از انواع فرم‌های معماری اسلامی و غیر اسلامی تحت حکومت سلسله امویان از جمله مدرسه، بناهای مسکونی و کاخ‌ها، ساختمان‌های عمومی از جمله گرم‌خانه‌ها و پروژه‌های زیربنایی همچون خیابان‌ها، پل‌ها و نظام‌های آبرسانی ابداع شد.

ساختمان‌های فرمانروایان با تزئینات پرآب و رنگ و تجملی، بخشی به صورت نقش برجسته و بخشی به صورت کاربردی مزین شده بود فضای داخلی نیز با همان شکوه و تجمل با مواد گرانبها و قیمتی تزئین و تجهیز شده بود. (هوکر، تاریخ مختصر معماری، ص ۵۲)



پس از سقوط امویان خلافت و حکومت به دست عباسیان افتاد. بعد از روی کار آمدن خلافت عباسی، بغداد مرکز و پایتخت عباسیان شد و دمشق رونق خود را از دست داد در نتیجه معماری‌های جدید در این شهر و شهرهای دیگر عراق به مرحله اجرا در می‌آمد که از جمله آن می‌توان به مسجد جامع سامرا اشاره کرد. این مسجد یکی از عظیم‌ترین بناهای اسلامی سده‌های نخست هجری محسوب می‌شود و از ابنیه‌های غیر مذهبی دوران عباسی نیز می‌توان به کاخ‌های آنان از جمله قصر «بولقواره» و «جوسن‌الخاقانی» اشاره کرد. همچنین یکی از بزرگ‌ترین کاخ‌های اسلامی که طی سده‌ی هشتم میلادی ساخته شد کاخ اخضر است که در همین دوران (عباسی) در عراق ساخته شد. (زندى، حکمت هنر اسلامی، صص ۷۵-۷۴)

معماری عباسیان در سده‌ی سوم/نهم میلادی، تحولات قابل ملاحظه‌ای می‌یابد چون خلیفه معتصم در سال ۲۱۴هـ به سبب بروز مشکلات بین محافظان ترک نژاد و جمعیت عرب بغداد و نیز برای این که به خلافت خود فر و شکوهی دوباره ببخشد، پایتختی جدید درافکند. جای انتخابی او سامراء حدود ۶۰ مایلی دجله از راه بغداد، بود. هر یک از خلفا تا سال ۸۸۳/۵۲۶۲م که سامرا از پایتختی افتاد چیزی به این شهر معتصم افزودند و مجموعه عظیمی را پدید آوردند. (هوکر، تاریخ مختصر معماری، صص ۲۵-۱۵)

دولت سامانی یکی دیگر از قدرتمندان عصر خویش است که نسبت آن‌ها به سامانی‌های ماوراءالنهر می‌رسد آن‌ها توانستند اقلیم خراسان و پایتختش نیشابور را ضمیمه حکمروایی خود سازند دوره‌ی دولت سامانی از شکوفاترین دوران کشورهای اسلامی بود. اما باید گفت محققان در کاوش‌های موزه مترو پولاتین در نیشابور، به بناهای قابل توجهی که سامانیان در قرن نهم میلادی ساخته‌اند، دست نیافتند

از دیگر حکومت‌های بوجود آمده بعد از ظهور اسلام مغولان می‌باشد. هولاکوخان از بازماندگان چنگیز توانست در سال ۶۵۶ هجری با هجوم به بغداد و کشتن المستعصم آخرین خلیفه عباسی بر بغداد دست یابد و بدین ترتیب حکومت مطلق عباسیان پایان یافت مغولان ویرانی‌های بسیاری را ایجاد کردند و آثار معماری زیادی را در حملات خود از بین بردند اما پس از برقراری ثبات و آرامش برخی از شهرها که به دست آن‌ها ویران شده بود فعالیت‌های هنری خود را از سر گرفتند.



اسلام آوردن فرمانروایان مغول به شکوفایی هنر معماری کمک کرد، به همین جهت، تلاشی در ساختن مساجد و مدارس و مقابر شروع شد یکی از آثار معماری در این دوره شهر سلطانیه است که متأسفانه اثری از بنای عظیمی که در آن ساخته شد جز آرامگاه اولجایتیو باقی نمانده است. پس از مغولان تیموریان، و پس از آن و در روند ایجاد حکومت‌های دیگر صفویان و در دیگر نقاط جهان اسلام عثمانی‌ها در ترکیه و نیز گسترش اسلام در سال ۱۲۷۴ هجری در هند و نیز توسعه آن در تونس، اندلس و اسپانیا، معماری اسلام همراه با دین جدید گسترش می‌یافت که مجالی برای سخن در مورد این مناطق نیست بلکه در فصل آینده اشاره‌ای به مساجد مهم و معماری آن‌ها خواهد شد. (ر.ک: علام، هنرهای خاورمیانه در دوران اسلامی، ص ۸۹ تا ۲۱۳)

بنابراین در بیان معرفی معماری اسلامی می‌توان تاریخ آن را از زمان ظهور اسلام و زندگی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) دانست و ادامه آن را از سلسله‌های امویان، عباسیان، مغولان و ... در سایر نقاط جهان اسلام برشمرد.

### نخستین مساجد جامع

معماری اسلامی با مسجد آغاز می‌شود، نه از این‌رو که اولین بنای ساخته شده در مدینه توسط مسلمین و با هدایت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود. بدین دلیل که مسجد تمامی کارکردهای معماری را یک‌جا در خود داشت. و آن نه تنها محل عبادت، بلکه مکانی برای مدیریت تمامی امور بود که مستقیم یا غیرمستقیم به دین ارتباط داشت و همچنین محلی برای تعلیم و تربیت و حتی برای آسایش مسافران و خورد و خوراک آنان محسوب می‌شد.

تحولات زمان و دگرگونی‌های زمانه، تفاوت‌هایی در سبک و کارکرد بناهای دیگری چون مدارس، مقابر، کاخ‌ها و کاروان‌سراها را ایجاد می‌کرد، اما بنای مسجد به الزام مذهبی در تمامی جغرافیاهای اسلامی مهمترین و اصیل‌ترین بنا محسوب می‌شد.

«این الزام نه تنها از کارکرد خاص مسجد (که خانه خدا و محل عبادت او بود) ناشی می‌شد بلکه در متن قرآن آیه «أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ

جَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (سوره توبه، آیه ۱۹)





«آیا سیراب کردن حجاج، و آباد ساختن مسجد الحرام را، همانند (عمل) کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده، و در راه او جهاد کرده است؟! (این دو، نزد خدا مساوی نیستند! و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی‌کند!.)»

معماری مسجد یکی از قدسی‌ترین اعمال مسلمانان محسوب می‌شد این آیه ایمان به خدا و روز جزا، برپایی نماز و ادای زکات را صفات معماران مساجد می‌دانست. پس معماری مساجد می‌توانست چون اعمال عبادی، قداست و معنویت خاص خود را داشته باشد. بنابراین مسجد اسلامی‌ترین معماری را داراست و به همین دلیل شناسنامه معماری جهان اسلام است. (بلخاری، سرگذشت هنر در تمدن اسلامی، موسیقی و معماری، صص ۶۲-۶۱)

از دیدگاه هیلن برنند مسجد در قلب معماری اسلامی قرار دارد و نمادی درخور از ایمانی است که در خدمت آن است. از همان ابتدا، نقش نمادین آن از سوی مسلمانان دریافت شد و (این نقش) سهم خود را در خلق شاخه‌های بصری مناسب برای این بنا، باز کرد که از آن میان می‌توان به شاخصه‌هایی نظیر گنبد، مناره و منبرات اشاره نمود. (برنند، معماری اسلامی، شکل، کارکرد، معنی، ص ۳۱)

محوریت مسجد در دین اسلام، مطالعه منشأ و شکل‌گیری آن را، به عنوان نخستین نمود بنای اسلامی ضروری می‌سازد. به‌ویژه، از آنجایی که بسیاری از مشخصات و مفاهیم در معماری مذهبی و غیر مذهبی مسلمانان با هم تداخل دارند، از این رو مسجد، نخستین عامل در هر گونه بحث از معماری اسلامی است. برای مثال، مجموعه‌های منفرد شهری اغلب، ویژگی بناهای غیر مذهبی و مذهبی را نیز دارند. (ایروین، هنر اسلامی، ص ۸۵)

بنابراین این قسمت، قبل از هر چیز ایجاد و توسعه معماری مسجد را بررسی می‌کند و ضمن این بحث، نمونه‌هایی از مساجد جهان اسلام را ارائه می‌دهد.

#### ۱- مسجد الحرام

مسجد الحرام مقدس‌ترین جایگاه در اسلام است و همه مسلمانان در حد استطاعت خود می‌خواهند یک بار هم که شده در عمر خود به زیارت مکه بروند. این بنا مرکب از یک ستونبند وسیع نامنظم



با یک صحن باز است که در وسط آن کعبه قرار دارد.

از نظر بوکهارت کعبه نخستین منبع الهام هنر مقدس اسلامی است، همه مسلمانان در شبانه روز پنج بار نماز یومیه به سوی کعبه می‌گزارند. کعبه یک اتاق مکعبی شکل به ابعاد ۱۳\*۱۱ متر و بالغ بر ۱۶ متر ارتفاع است. کعبه را نخستین بار حضرت ابراهیم(علیه السلام) بنا نمود. این منطقه پیش از اسلام نیز مقدس بوده و حضرت محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) پس از فتح مکه به دست مسلمانان، بت‌های متعدد آن را در هم شکست و آن را به مسجد تبدیل نمود.

در زوایه شمال شرقی کعبه، حجرالاسود است سنگی که از بهشت آمده و همه زائران موقع طواف آن را می‌بوسند. کعبه سنگی بارها بازسازی شده ولی ساخت کهن خود را حفظ کرده است.

کعبه مهم‌ترین بنای مسجدالحرام محسوب می‌شود در مورد این بنای مقدس آمده که از امام صادق(علیه السلام) پرسیدند: «چرا کعبه را کعبه نام شد؟ فرمودند: چون چهارگوش است. گفتند: چرا چهارگوش است؟ فرمود: چون در برابر بیت المعمور است که چهارگوش است. گفته شد: چرا بیت‌المعمور چهارگوش است؟ فرمود: چون در برابر عرش است که چهارگوش است. گفته شد: چرا عرش چهارگوش است؟ فرمود: چون مسلمانی بر چهار کلمه سازمان داده شده است.

«سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» (مقصودی، سیر تحول معماری مساجد و مصلها از

صدر اسلام تا کنون، ص ۱۵۳)

## ۲- مسجدالنبی

هنگامی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در سال ۶۲۲ میلادی برابر با نخستین سال هجرت، مکه را به قصد مدینه که در ایام باستان یثرب نامیده می‌شد، ترک گفت تا نخستین دولت خود را در آن جا بنیان نهد، پیروان مسلمان او را شمار معدودی از افراد شهرهای تجارت‌پیشه عربستان تشکیل می‌دادند و خانه خصوصی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم کانون تجمع آن ها شمرده می‌شد. کانون تجمع خصوصی مسلمانان بعدها آن جا را به پایگاه عبادت بدل کرد، خود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) منزل خویش را جایی برای حل مشکلات مسلمانان می‌دانست و این مکان بعدها به نام اولین مسجد مسلمانان شهرت پیدا کرد. این بنا، که چندان هم باشکوه نبوده از یک حیاط با دیوارهای خشتی حدود پنجاه متر در هر سمت تشکیل شده بود.



اتاق‌های مخصوص همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در شرق بخش جنوبی دیوار شرقی قرار داشت. صفحه‌های کوتاهی از بدنه نخل در جوانب جنوبی و شمالی آن برپا شده بود با سقف‌های پوشیده از برگ نخل تا مردم را از گرمای آفتاب مصون دارد.

صورت و معنای این ساختمان مبنای همه مساجد اولیه اسلام قرار گرفت. در این ساختمان هیچ اثر بیگانه یونانی رومی یا ایرانی وجود نداشت، و کاملاً مستقل بود. وجود امام و مأوم و جهت قبله و محل وضو و ورود، صورتی خالص به مسجد اولیه می‌داد. سایر مساجد مسلمانان این عصر چیزی بیش از مسجد مدینه نبودند، از جمله مسجدهای بصره، کوفه و فسطاط.

اما ظرف ۲۰ سال بعد از رحلت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) مسجد ایشان در مدینه تجدید بنا شد و قسمت‌هایی مانند اتاقک‌ها و غرفه‌هایی به نام «مقصوره» و یا «محراب» برای نماز یا خطبه و سخنرانی به مساجد افزوده شد.

محراب به معنای غرفه و اتاقک در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نبوده و در عهد خلفای بعد، از زمان عمر بن عبدالعزیز به بعد ساخته شده است و اگر در برخی روایات هم تعبیر «محراب النبى» بیان شده است منظور محل نماز و مصلاى او است. «مقصوره» هم، اتاقکی است که دارای یک دریچه است و مردم از آن‌جا به پیش‌نماز نگاه می‌کردند و عثمان، اولین کسی بود که در مسجد، مقصوره ساخت، و این، به دنبال کشته شدن عمر بود. هنگامی که عثمان خلیفه شد، مقصوره‌ای کوچک ساخت که داخل آن، جای می‌گرفت و نماز می‌خواند. و نخستین محراب را از خشت ساخت.

در این باره به‌عنوان مثال، عمل «مروان بن حکم» خلیفه اموی، قابل ذکر است. وی، به دنبال حادثه‌ی سوء قصدی که به او شد و کسی با چاقو به او ضربه زد و قصد کشتنش را داشت و بالاخره دستگیر و زندانی و پس از مدتی، اعدام شد، به فکر ساختن مقصوره‌ای محکم افتاد و مروان، اولین کسی بود که در مسجد، مقصوره را با سنگ‌های نقش و نگاردار ساخت و برای آن دریچه قرار داد. معاویه هم بعد از ماجرای سوء قصدی که باو صورت گرفت، در مسجد، مقصوره درست کرد.

اما این‌گونه محراب‌ها و اتاقک‌ها بدعتی بود که حتی امیرالمومنین (علیه السلام) با آن مخالفت



می‌کرد و در احادیث آمده که آن حضرت، هنگام برخورد با چنین مکان‌هایی در مساجد، آن‌ها را می‌شکست و می‌فرمود که این‌ها شبیه قربان‌گاه‌های قوم یهود است. «عَنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنَّهُ كَانَ يَكْسِرُ الْمَحَارِبَ إِذَا رَأَاهَا فِي الْمَسَاجِدِ وَ يَقُولُ: إِنَّهَا كَمَذَابِحِ الْيَهُودِ» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۱۰)

و حتی امام باقر (علیه السلام) آن‌ها را موجب بطلان نماز دانسته و می‌فرمایند: «هَذِهِ الْمَقَاصِرُ إِنَّهَا أَحَدَتُهَا الْجَبَّارُونَ وَ لَيْسَ لِمَنْ صَلَّى خَلْفَهَا مُقْتَدِيًا بِصَلَاةٍ مِنْ فِيهَا صَلَاةٌ» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۶۰)؛ این اتافک‌ها و محراب‌ها را جباران و ستمگران ابداع کرده‌اند و نماز کسی که به آن‌ها اقتدا کند صحیح نیست. در کتب فقهی نیز نقل شده که این‌گونه محراب‌ها مکروه بوده است زیرا به‌گونه‌ای است که بین نمازگزاران و امام جماعت از دو طرف فاصله و جدایی می‌اندازد. (محدثی، هنر در قلمرو مکتب، ص ۳۳۹)

پس از مدت زمانی محراب‌ها از شکل بدعتی خاص که خلفا ایجاد کرده بودند خارج شد محراب از حالت غرفه و اتافک که جبارین برای حفظ جان و ایمنی خود می‌ساختند به معنای جدید آن چنانکه راغب گفته است یعنی: «محل جنگ با شیطان و هوای نفس است» (الراغب الاصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۲۵) تغییر یافت و جزء یکی از خصوصیات محوری مسجد قرار گرفت و در حقیقت ماحصل هنر و معماری مقدس اسلامی در مساجد به کار گرفته شد.

### ۳- مسجد اموی در دمشق

مسجد اموی در دمشق اثر تاریخی و ماندگار دیگری از معماری در تاریخ اسلام بر روی مکان مذهبی ساخته شد که تاریخ آن به معبد آرامی باستانی وقف حداد، یکی از خدایگان باز می‌گشت. رومیان بر روی این سایت معبدی برای ژوپیتر بنا کردند. ساختمانی که در قرن چهارم میلادی به کلیسا (کلیسای جامع سنت جان) واقع در ضلع غربی معبد تغییر شکل یافت.

طرح این مسجد به علت به کار بردن ستون‌های سنگی شباهت بسیار به کلیساها و باسیلیک‌های رومی پیدا کرد، و وقتی خواستند در چهار طرف مسجد چهار مناره برای اذان و مناجات بسازند



برای ساختمان مناره نیز از برج ناقوس‌های کلیسا استفاده کردند و مناره‌ها را به صورت برج‌های مرتفع مکعب شکل ساختند. در قسمت شرقی مسجد، ساختار مرمرین کوچکی بین ستون‌های رواق، مقبره سنت جان تعمیر دهنده را که در شریعت اسلامی به حضرت یحیی معروف است، را در برمی‌گیرد. و ساختمان مسجد کاملاً با موزائیک‌ها و قاب‌بندی مرمرین تجهیز شده است. (وزیری، زیباشناسی در هنر و طبیعت، ص ۴۶۴)

#### ۴- مسجدالاقصی

با استیلای اسلام بر فلسطین و اورشلیم در دهه سوم قرن هفتم خلیفه عبدالملک بهترین بناها و پیشه‌وران موجود را برای طراحی بنایی به نام گنبد صخره فراخواند. بنایی که امروزه قدیمی‌ترین بنای اسلامی است که با فرم اصلی خود باقی مانده است. گنبد صخره که در سال ۶۹۲ میلادی کامل شد. صخره عظیم مرکز خود را احاطه می‌کند. این صخره مرتفع‌ترین نقطه کوهستان موریه است که طبق روایت از این مکان حضرت محمد (علیه السلام) در پایان اسراء (سفر شبانه) خود به اورشلیم، به آسمان صعود کرد. در روایات یهود، این صخره، سنگ بنیاد، یعنی بنیاد نمادینی که عالم هستی بر روی آن خلق شد و مکان آماده‌سازی اسماعیل توسط ابراهیم برای قربانی کردن اوست. همچنین در باور پیروان مسیحیت، رویدادهای مهم و بی‌شمار زندگی مسیح در همین جایگاه رخ داده است از این رو این مکان برای مذاهب یهودیت، مسیحیت و اسلام مقدس است. ورود به این بنا که از نظر مفهومی بیزانسی بوده، آرایه‌بندی ساسانی دارد و از هر چهار جهت اصلی امکان‌پذیر است.

این بنا اگرچه از نظر فنی مسجد محسوب می‌شود اما بسیار فراتر از آن است، این ساختمان نه تنها محوطه‌ای هندسی، ملکوتی و تجلیلی از مکانی با قداستی خاص است و برخلاف کعبه که فقط قابل طواف است و ورود به آن ناممکن و ورود به آن ناممکن و گنبد صخره امکان‌پذیر است. در عین حال به دلیل حضور صخره مذکور، مرکز ساختمان اساساً، دور از دسترس مانده است به‌علاوه از آن‌جا که بازدید کنندگان نه به صخره بلکه به رأس کوه خیره می‌شوند احساس می‌کنند این معماری آن‌ها را در فضای اطرف قلّه مذکور معلق نگهداشته است. این بنا از نظر زیبایی و شکوه و تزئیناتش بی‌همتاست. در این مسجد، یک محراب صاف و بدون فرورفتگی منسوب به عبدالملک و محراب



دیگری مشهور به «قبه الانبیاء» نیز وجود دارد.

از بررسی طرح این مسجد، یعنی اساس قراردادن دایره‌ای در داخل هشت ضلعی چنین برمی‌آید که ابتکار تازه‌ای در طرح و نقشه مساجد اسلامی به‌ظهور رسیده است چه‌بسا انتخاب این طرح از طرف عبدالملک در ساختن بنایی این چنین به گرد سنگ مقدس، به این منظور بوده که برای مسلمانان زیارت‌گاهی بسازد تا به‌جای رفتن به مکه، تحت تأثیر ابن‌زبیر والی مکه که مدت نه سال از اطاعت اموی‌ها خارج گشته بود، در این محل حج بگذارند و پیروانش طواف کنند و تبرک جویند. و نیز از بررسی این طرح پیداست که معماری در اوایل اسلام تحت تأثیر روش‌های هنری که قبل از ورود اسلام در شهرهای شام حکم‌فرما بوده قرار گرفته است. (علام، هنرهای خاورمیانه در دوران اسلامی، صص ۲۱-۲۰)

۵- مسجد جامع سامرا

پس از سقوط امویان و کسب قدرت به دست عباسیان متوکل به ساخت مسجد سامرا پرداخت. در آغاز، هدف معماران مساجد اولیه‌ی صدر اسلام، ساختن فضای بزرگی برای پوشش دادن جمعیت یک شهر بود و مسجد سامرا در کنار رود دجله، که ساخت آن به سده سوم هجری مربوط می‌شود، با این تصور ساخته شد.

مسجد اعظم سامرا که به فرمان خلیفه متوکل در سال ۲۲۵هـ با آجر پخته درست شد جزء بزرگترین مساجد دنیای اسلام است. (تالبوت رایس، هنر اسلامی، ص ۳۶)

ابعاد این مسجد بزرگ مستطیلی عظیم ۳۷۶ در ۴۴۴ متر است که در درون آن یک مستطیل دیگر با مساحت ۲۴۰ در ۱۵۶ متر با دیوارهایی محصور شده و با مناطق خالی بزرگی با عنوان زیاده از اولی جدا می‌شود این مناطق برای انباری، دستشویی و وضوخانه بکار می‌رفت و درست همان عبادتگاه بود. اکنون از جامع سامرا چیزی جز دیوار بیرونی و مناره باقی نمانده است از ویرانه‌های به‌جامانده ساختمانش پیداست که اطراف آن را رواق‌هایی فراگرفته و بزرگ‌ترین آن‌ها رواق قبله است.

شکوفایی معماری اسلامی با فتح فتوحات مسلمانان روزبه‌روز پیشرفت می‌کرد و با هر فتحی



شاهد ایجاد مسجد جامعی در آن منطقه می‌باشیم که اینک به‌طور مختصر نام هر یک را ذکر می‌نمائیم.

آخرین مسجد بزرگ سده سوم که وابسته به گروه مساجد عباسی، مسجد اعظم قیروان است. عقبه بن نافع، فاتح شمال آفریقا، در سال ۴۸ هجری در آن‌جا مسجدی برپا کرد و تنها یادبود او در دیوار پنهان پشت محراب امروزی محفوظ است.

از مساجد عظیم دیگر در سراسر جهان اسلام آن زمان می‌توان به دو مسجد بزرگ در قاهره در دوره فاطمیون اشاره کرد. مسجد معروف الازهر همزمان با شهر ساخته شد تا جایگاه اصلی مراسم عبادی باشد و از آن‌جا که الازهر به تدریج به صورت یکی از مراکز عمده معارف مذهبی درآمد تغییرات مکرری پیدا کرد.

دومین مسجد کهن فاطمی در قاهره مسجدالحاکم است که در سال ۳۲۹ هـ دوباره بازسازی و افتتاح شد. هدف از ساخت‌های مسجد در نظر اول چندان روشن نیست. ولی در سمت شمال در بیرون دیوارهای شهر و در یک منطقه کم‌جمعیت ساخته شده بود. نخستین و با شکوه‌ترین تشریفات طولانی و سنجیده نماز خلافت از جمله خواندن خطبه و یا بیعت با خلیفه تا سال ۶۴۵ هجری (که به الازهر منتقل شد) در این مکان صورت می‌گرفت. همچنین از مساجد دوره صفویه در ایران می‌توان به مسجد شاه اصفهان اشاره کرد این مسجد از بزرگ‌ترین مساجد صفویه است این مسجد نیز از نمونه‌های عالی این دوره است که مهندسان هنر معماری در ایران پس از کسب صدها سال تجربه به آن رسیده‌اند. شهر اصفهان در دوره شاه عباس پی‌ریزی شد و از جمله مساجد بزرگ دیگر این شهر می‌توان به مسجد جامع شیخ لطف‌الله نیز اشاره کرد. این مسجد بین سال‌های ۱۰۲۸-۱۰۱۱ هجری ساخته شده که دارای فضای وسیع مربع شکل گنبدداری و بدون صحن و ایوان‌هایی است. (علاّم، هنرهای خاورمیانه در دوران اسلامی، ص ۶۵)

### دیگر مساجد:

اما برخی از مساجدی که مجالی برای توضیح بنا و تاریخ ساخت آن‌ها نبود عبارتند از:

۱- مسجد جامع قیروان در تونس یکی از بزرگ‌ترین مسجدهای دوره اسلامی در سرزمین‌های غربی محسوب می‌شود که در سال ۵۰ هجری بنا نهاده شد و سی سال بعد بر وسعت آن افزوده



گردید.

۲- جامع بزرگ شهر قرطبه که عبدالرحمن اول آن را در سال ۱۷۰-۱۶۹ هجری بنیان نهاد، این مسجد از زیباترین بناهای اسلامی به شمار می‌رود.

۳- مسجد جامع شهر اصفهان که نظام‌الملک وزیر در حدود ۴۶۶ هجری در دوره سلطنت «ملکشاه» برپا داشت.

۴- قدیم‌ترین مسجدی که در ایران تاکنون برجای مانده، مسجد شهر نائین نزدیک یزد متعلق به دولت آل بویه و تاریخ آن به نیمه قرن چهارم هجری می‌رسد.

۵- مسجدهای یک مناره‌ای که مختص مسجدهای سرزمین مغرب می‌باشند از جمله مسجد جامع کتیبه در مراکش در قرن ۶ هجری و جامع کبیر در اشپیلیه در سال ۵۱۲ هجری. در اشپیلیه در سال ۵۹۲ مسجد جامعی به نام ژیرالده نیز ساخته شده است این مسجد بین عناصر مسجد های موحدین در مراکش و عناصر برگرفته از مسجد جامع قرطبه را در برگرفته است. از این مسجد مناره زیبایی به نام ژیرالده و از دوره مسلمین در عزناطه مسجد «بیازین» و مناره جامع تائپین باقی مانده است.

۶- مسجد قوه‌الاسلام نزدیک دهلی که در اواخر قرن ۶ هجری توسط قطب‌الدین آیبک بنا گردید. این جامع بر ویرانه‌های معبد جاین برپا شد و مهندسان با مهارت و با کمک مصالح معبدهای ویران شده نزدیک آن، آن را به مسجد تبدیل کردند.

۷- جامع سلیمانیه ساخت دوره سلیمان بزرگ در استانبول است که حدود سال ۹۵۷ هجری زیر نظر مهندس سنان در دوره عثمانی بنا شده است. (علام، هنرهای خاورمیانه در دوران اسلامی، صص ۶۹-۶۸)

### اصول مادی معماری اسلامی

همواره آدمی برای پاسخگویی به نیازهای خود در اندیشه‌ی ایجاد فضایی بوده که در آن با درک آرامش، امنیت و حسن تعلق آخرین پاسخ که نه بهترین پاسخ را پیدا نماید. عنصر لاینفک در رابطه با انسان طبیعت است و طبیعت قانون حاکم بر زندگی انسان است تفکری که به شدت در





معماری اسلامی تجلی یافته است.

زمانی معماری اسلامی پایدار می ماند که به موازات طبیعت باشد و نیز آنچه که به عنوان اصول و ارزش محسوب می شود رعایت گردد.

### ۱- امنیت بنا

با وجود ساخت و سازهای فراوان در جامعه و ایجاد شهرهای بزرگ رعایت این اصل در ساختمان ها بیشتر به چشم می خورد. با نگاهی به آثار گذشتگان که تاکنون همچنان استوار باقی مانده است این امر بدیهی به نظر می رسد.

معماران اصیل اسلامی در طراحی و ساخت بنا تمام سعی خود را بکار می گرفتند و همواره تلاش می کردند که با رعایت اصول و تأمین امنیت، آسایش افراد را نیز تأمین نمایند.

یکی از موارد در تأمین امنیت بنا، محکم کاری در ساخت و ساز است و این اصل به جز دقت در به کارگیری مصالح مورد نیاز و نقشه و مجری میسر نمی گردد.

رعایت اموری این چنین می تواند ساختمان را در برابر زلزله و طوفان های سهمگین و... مقاوم نگه دارد. محکم کاری از چنان ارزشی برخوردار است که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این زمینه می فرماید: «...إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمِلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ...» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۹۶)

؛ «خداوند دوست دارد بنده ای، که وقتی کاری انجام می دهد آن را درست و محکم و متقن انجام دهد»

در تعریفی که برای مسکن مناسب در دومین اجلاس اسکان بشر در سال ۱۹۹۶ م که در استانبول برگزار شد نیز امنیت نقش مهمی شمرده شده است. در این تعریف چنین آمده است:

«سرپناه مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست. سر پناه مناسب یعنی آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه ای، روشنایی، تهویه، سیستم گرمایی مناسب، زیرساخت های اولیه از قبیل آبرسانی مناسب، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست محیطی، عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل دسترس از نظر کار و تسهیلات اولیه که همه این موارد باید با توجه به استطاعت



مردم تأمین شود.» (دلال‌پور، محمدی، مسکن و ساختمان خط‌مشی‌ها و تنگناها، مجله زبان و ادبیات دانشکده علوم و ادبیات تبریز، ش ۱۵۳)

از تعریف بیان شده می‌توان دریافت که امنیت ساختمان و محکم‌کاری در ساخت و ساز از اصول زیربنایی مهم در امر معماری محسوب می‌شود چرا که برقراری امنیت، برخورداری از رفاه و آسایش را نیز به دنبال دارد و فروع بسیاری را در خود جای می‌دهد.

## ۲- وسعت مسکن

به فرمایش امام صادق (علیه السلام) «مِنَ السَّعَادَةِ سَعَةُ الْمَنْزِلِ» (برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۶۱۰)؛ «یکی از سعادت‌های انسان داشتن خانه وسیع و جادار است» که البته مراد سعادت دنیوی است که اگر انسان قدر این نعمت را بداند و از آن درست استفاده کند می‌تواند عامل سعادت اخروی گردد. در حدیثی دیگر از حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) در سفارش به حضرت علی (علیه السلام) آمده است:

ای علی زندگی خوش در سه چیز است، خانه‌ای وسیع و جفتی زیبا و اسبی کمر باریک. (کمره ای، آداب و سنن ترجمه جلد شانزدهم بحارالانوار، ص ۹۴)

در جایی دیگر نیز آمده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: شومی در سه است در زن و مرکب و خانه و اما خانه، شومی‌اش در تنگی آنست و بدی همسایه‌اش... (محمدی شاهرودی، معانی‌الاجبار، محمدی، ج ۱، ص ۳۴۵)

در محاسن آمده که امام کاظم (علیه السلام) در مسجدالحرام میان حلقه‌ای از بنی هاشم بود که عباس بن محمد هم جزء آنها بود و در خوشی دنیا گفتگو می‌کردند و هر کدام چیزی درباره آن گفتند سپس از آن حضرت پرسش شد و ایشان فرمودند: در وسعت منزل است و خوبی و فضل خدمتکار. (ر.ک: برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۱)

اهمیت این موضوع به حدی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در یکی از دعا‌های خویش از خداوند متعال خانه وسیع طلب می‌نماید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَ سَعِّ لِي فِي دَارِي وَ بَارِكْ لِي فِي رِزْقِي؛ خدایا گناه مرا ببخش و خانه مرا وسعت بخش و روزی مرا افزون کن» (پاینده، نهج‌الفصاحه،



ص ۲۵۱)

و در پایان این اصل خوبست اشاره‌ای به سخنی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) شود که در برگیرنده نکته قابل توجهی در مورد جمع وسعت مسکن و پرهیز از تجمل گرایی و اشرافی گری می‌باشد.

آن حضرت در بصره چون به خانه علاء بن زیاد حارثی که از یارانش بود برای عیادت وارد شد و وسعت خانه او را دید، فرمودند:

با وسعت این خانه، در این دنیا چه می‌کنی؟ آگاه باش که در آخرت به آن نیازمندتری، اگر می‌خواهی که بوسیله آن به آخرت خوبی دست یابی: در آن مهمان‌نوازی کن و صلح رحم و حقوق را به‌وسیله آن به‌جا آور، در این صورت است که می‌توانی به وسیله آن به آخرت خوبی برسی. (کمره ای، آداب و سنن ترجمه جلد شانزدهم بحارالانوار، ص ۹۸)

### ۳- بهره‌گیری از تزئینات مثبت

معماری اسلامی از نور و سایه، گرما و سرما، آب و خاصیت خنک‌کنندگی آن، خاک و جنبه‌های عایق‌کنندگی آن و نیز ویژگی‌های محافظت‌کنندگی‌اش در مقابل سایر عناصر (آب، باد، آتش) استفاده کاملی به عمل می‌آورد. در ضمن معماری اسلامی نه تنها مخالف با طبیعت و ضرب آهنگ آن نیست بلکه همواره هماهنگی خود را با محیط اطراف حفظ می‌کند.

اندیشه اسلامی تزئین را به‌طور کامل نفی نکرده است، بلکه تزئین آنچه که موجب توجه بیشتر انسان به مسائل روحی و معنوی است را توصیه می‌نماید، هنرمندان موحد با استفاده از عناصر مادی می‌توانند عالی‌ترین مضامین روحی و معنوی را به بیننده القاء نمایند و در تزئین فضای مصنوع خود کمال بهره‌برداری را بنمایند. استفاده به‌جا و متناسب از نقوش هندسی و از رنگ‌های متنوع (رنگ‌های گرم و تند و چندگانه در کف و رنگ‌های سرد و آرام و هماهنگ در سقف‌ها) و نورپردازی و سایه‌روشن‌سازی‌های متوالی و منظرسازی‌های شایسته به کمک پنجره‌ها و روزنه‌های مشبک در معماری اسلامی سبب می‌شود که فضا در عین سادگی و عقلانیت از غنا و شکوهی ماورایی برخوردار گردد.



نور نقش مهمی در اصل تزئینات ایفا می‌کند، چنانکه می‌توان گفت نور حدود فضاهای معماری اسلامی را معین می‌سازد و در عین حال، استفاده از بناهایی رنگارنگ که به تجلی حالات بهشتی در زمین می‌مانند را میسر می‌سازد.

رنگ از جمله صفات ممتاز معماری اسلامی است که قبل از آنکه نموداری تزئینی باشد از هویت و حقیقتی سختی می‌گوید که رنگ جلوه آن است (نه حجاب آن) رنگ که از تکثیر نور حاصل می‌شود نمایانگر کثرتی است که ارتباط ذاتی با وحدت دارد. به تعبیر اندیشمندان هنر اسلامی، رنگ سفید نماد وجود مطلق و رنگ سیاه که پوشش خانه کعبه است، نماد اصلی متعالی و فراوجودی است که خانه کعبه با آن ارتباط دارد. (نصر، هنر و معنویت اسلامی، ص ۲۸)

رنگ‌های آبی، فیروزه‌ای و طلایی در نگارگری اسلامی، جلوه‌هایی از معانی باطنی جاری در بطن رنگ‌هایند روان‌شناسی رنگ در متن قدسی مسلمین، قرآن، مورد تأمل جدی قرار گرفته است.

«قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بَيْنَ مَا لَوْئِهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقْرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعُ لَوْثِهَا تَسْرُّ النَّاطِرِينَ» (بقره، آیه ۶۹)؛ «گفتند: «از پروردگار خود بخواه که برای ما روشن سازد رنگ آن چگونه باشد؟» گفت:

خداوند می‌گوید: «گاوی باشد زرد یکدست، که رنگ آن، بینندگان را شاد و مسرور سازد.» بنابراین آنچه از رنگ‌ها در استفاده تزئینات در معماری اسلامی بدان توصیه شده است رنگ آبی و سبز است چنانکه حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) به یکی از یارانش می‌فرماید:

«ای مفضل، در رنگ آسمان تفکر کن که خداوند آن را به این رنگ آفریده است برای آنکه موافق‌ترین رنگ‌ها برای چشم بشر است و نظر به آن دیده را قوی می‌سازد» (زندى، حکمت هنر اسلامی، ص ۲۲۱)

ویژگی رنگ آبی و سبز در به‌کار بردن معماری اسلامی این است که رنگ سبز رنگی است میانه و معتدل. سبز، رنگ تعقل، تفکر و متانت و آرامش خردمندان است. نه آنچنان سرد و آرامنده و نه آنچنان هیجان‌آفرین و محرک که انسان را از تعادل بیرون کشاند. رنگ آبی رنگی است آرام و درونگرا، بیننده را به‌سوی خود می‌کشد و در درون آرامش خود غرقه می‌سازد. آبی رنگی است که خداوند آن را برای تسکین و آرامش ناراحتی‌ها و تقلیل ناگواریها و فرو نشاندن خستگی‌ها و



نابسامانی‌های زندگی روزمره بر فراز کره خاکی آفریده است و متمرکز شدن در آبی، سبب تمرکز اندیشه می‌گردد، و از این روست که شاهد آنیم که اکثر بناهای معماری اسلامی از جمله مساجد، مقابر و آرامگاه‌های مقدس از این رنگ‌ها و تزئینات استفاده شده است. و آنچه مسلم است پیوستگی این سه کار مهم از هنرمند مسلمان در معماری اسلامی است: شیفتگی فراوان به نور، دل بستگی بسیار به رنگ و توانایی خارق‌العاده در هماهنگ‌سازی رنگ. (باوندیان، حکمت هنر اسلامی، صص ۲۲۲-۲۲۱)

از جمله توصیه‌های دیگر اسلام در باب معماری اسلامی و تزئینات و نقاشی خانه‌ها منع صورت‌تکشی و مجسمه است و این ویژگی معماری اسلامی است چرا که در معماری‌های قبل از آن شاهد کاربرد تزئیناتی هستیم که به صورت مجسمه پادشاهان و یا نقاشی بر روی سقف یا دیوار و یا ستون قصرها و یا خانه‌ها ایجاد می‌کردند. این نوع تزئینات در معماری اسلامی به شدت مورد نهی قرار گرفته است. چنانکه امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: ... و بر سقف خانه‌ها صورت نکشید زیرا که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آن را بد می‌داشت. (کمره‌ای، آداب و سنن ترجمه جلد شانزدهم بحارالانوار، ص ۱۰۱)

«مسأله نهی و منع و نکوهش - و گاهی تحریم - تصویر و مجسمه‌سازی، ریشه‌ای اعتقادی و فلسفه‌ای مبتنی بر حفظ افکار توحیدی و جلوگیری از هر نوع شرک و پرستش مظاهر و نمودها دارد. معنا و انگیزه این نهی، مخالفت با هنر و آفرینش زیبایی نیست، بلکه صیانت مسلمین، از هر نوع گرایش به مجسمه و بت‌پرستی، هر چند به صورت کم‌رنگ و پنهانی و نامحسوس است. در باب استفاده از نقوش انتزاعی گفته شده است:

«در نقوش اسلامی همواره سعی شده است از شمایل‌نگاری و تصاویر واقعی پرهیز شود تا ذهن از هر گونه تصویر غیرخدایی خالی گردد و در عوض از نقوش انتزاعی بهره‌گیری شده است» (بمانیان، مجله کتاب ماه هنر، ص ۵۳)

شهید مطهری نیز فلسفه نهی از صورت‌نگری در اسلام را منع رشد در زمینه روحی بیان می‌کند و می‌گوید:

«هر فکر و اندیشه‌ای برای اینکه رشد کند و باقی بماند، زمینه روحی مساعدی می‌خواهد، چقدر



زیبا و عالی در آثار دینی گفته شده است که «لایدخل الملائكة بيتاً فيه كلبٌ أو صورةٌ كلب»؛ «فرشتگان به خانه‌ای که در آن خانه، سگ یا تصویر سگ وجود داشته باشد وارد نمی‌گردند.» (مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱، ص ۵۶۸)

این گونه آراستن که در احادیث آمده است در مساجد نیز صادق است. روبرت ایروین در مورد تزئینات مساجد می‌گوید:

در اسلام، آراستن مساجد با تصاویر انسان‌ها و حیوانات نادرست شمرده می‌شود اما دیوارهای مساجد ممکن است با تصاویر ساختمان‌ها و گل و گیاه یا با طرح‌های انتزاعی پوشانده شود. وی می‌نویسد:

معرق کاران بیزانس داخل مسجد جامع دمشق را که به دستور ولید اول خلیفه اموی ساخته شده بود، با تصاویر ساختمان‌هایی در میان منظره‌های پر درخت آراسته بودند. روایت شده است که این نقاشی‌ها، منازل و باغ‌های بهشت را نشان می‌دهد که در انتظار ورود مسلمانان هستند.

## اصول معنوی معماری اسلامی

### ۱- پرهیز از تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری

در زمینه پرهیز از تجمل‌گرایی و اسراف در مسکن احادیث زیادی وجود دارد که در اینجا به طور مختصر به آن اشاره می‌شود.

حضرت علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: ساختمان زیاده از حد نیاز و کفاف، و بال صاحب آن است. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۵۰)

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز می‌فرماید: «مَنْ بَنَى بُيُوتًا رِيَاءً وَ سَمِعَهُ حَمَلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى سَبْعِ أَرْضِينَ...»؛ (ابن بابویه، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۳۳۱)؛ «هر کس بنایی را برای ریا (یا به رخ دیگران کشیدن) و شهرت بسازد، او را در روز قیامت به درون هفت طبقه زمین فرو خواهد برد.»

قرآن کریم نیز در ارتباط با مسکن اضافی یا اشرافی و طرد آن (نهی از اسراف در ساختمان)



می‌فرماید: «أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ» (شعراء، آیات ۱۲۹-۱۲۸)؛ «آیا شما بر هر مکان مرتفعی نشانه‌ای از روی هوا و هوس می‌سازید؟! و قصرها و قلعه‌های زیبا و محکم بنا می‌کنید شاید در دنیا جاودانه بمانید؟!»

واژه ریع به معنی زمین مرتفع است و جمع آن ریاع است. در بیان این کلمه آمده است که قوم عاد برای خود و لهُو و لعب خویش خانه‌های بلند بر روی زمین‌های مرتفع و پشته‌ها بنا می‌کردند. (مدرسی، تفسیر هدایت، ج ۹، صص ۸۴-۸۳)

قرآن کریم، ساختن ساختمان‌های تجملی و اشرافی را- چنان‌که در دو آیه پیش گذشت- نهی کرده است شیخ طبرسی می‌گوید: «أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ» یعنی در هر جای بلند... آیه تَعْبَثُونَ یعنی بنایی که برای سکونت به آن نیاز ندارید. بلکه بیهوده و برای بازی (و مشغول بودن) و سرگرمی می‌سازید؛ گویی خداوند ساختن جایی را که به آن نیاز ندارند (عبث، کاری بیهوده) نامیده است.

در تفسیر این آیه آمده است که هود (علیه السلام) به این اعتراض نمی‌کند که: چرا شما دارای خانه‌های مناسبی هستید؟ بلکه، می‌گوید شما آنچنان غرق دنیا شده‌اید و به تجمل پرستی و محکم کاری بی‌حساب در کاخ‌ها و قصرها پرداخته‌اید که سرای آخرت را به دست فراموشی سپرده‌اید، دنیا را نه به عنوان یک گذرگاه، که به عنوان یک سرای همیشگی پنداشته‌اید، آری چنین ساختمان‌های غفلت‌زا و غرور‌آفرین مسلماً مذموم است.» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ص ۳۲۱)

حکمت عملی در این موضع‌گیری قاطع، آن است که منع شدن ساختن چنین بناها و عادت دادن مردم به دوری جستن از آنها، موجب آن می‌شود که زمین‌ها و مصالح ساختمانی به دیگران برسد و کسانی دیگر نیز فرصت بهره‌مند شدن از خانه‌ای هر چند تنگ و کوچک را پیدا کنند.

نکات فراوان دیگری در ارتباط با این آیه وجود دارد که مختصراً بیان می‌شود:

۱- «قوم عاد دارای تمدنی پیشرفته در امر معماری و بناسازی بودند، و باید گفت که غفلت از مرگ و پندار جاودانگی در دنیا، عامل روی آوردن عادیان به کاخ‌سازی، تجمل‌گرایی و بیهودگی گشته بود.» (ر.ک: هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، صص ۱۵۶-۱۵۴)



۲- تمدن و رفاه کاذب، عامل غرور و مانع حق‌پذیری است. همچنین گرایش به کاخ‌نشینی، ناسازگار با اعتقاد دینی و پیروی از مکتب پیامبران است.

۳- با توجه به آیات مورد بحث (شعراء ۱۲۹-۱۲۸) می‌توان دریافت که آفات ساختمان ۴ چیز است:

حرص و اسراف: بِكُلِّ رِبْعٍ

تفاخر و خودنمایی: آيَةً

هوس‌بازی: تعبثون

دنیاگرایی و غفلت: لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ. (قرآنی، تفسیر نور، ج ۸، صص ۳۴۹-۳۴۸)

از مظاهر آشکار استکبار و استضعاف اقتصادی و نظام طبقاتی نادرست و کامرانی و ناکامی اجتماعی، خانه است و تفاوت‌های کلان موجود میان کوخ‌ها و ساکنان آنها و کاخ‌ها و ساکنان آنها (در صورتی که همه انسانند و مسلمان- یا هم‌نوع- و در اجتماع و محیطی اسلامی زندگی می‌کنند) و این دو لازم و ملزوم یک دیگرند، یعنی وجود کاخ در شهر سبب پیدایش کوخ و آلونک است، به همان‌گونه که وجود کاخ و آلونک از وجود کاخ خبر می‌دهد

در باب تجمل‌ساختمان همچنین روایت شده است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است: «به راستی بی‌ثمرترین چیزی که تمام ثروت مؤمن را از بین می‌برد ساختمان‌سازی است» (ایروین، هنر اسلامی، ص ۱۲۱)

بناهای عظیم نشانه تکبر، اسراف و انحطاط بود و بر طبق حدیثی بنای بیش از حد نیاز (تطاول فی البنیان) یکی از نشانه‌های روز قیامت است. (همان)

دستور به ترک از تجمل‌گرایی تنها در مسکن نیامده است بلکه در باب معماری مساجد نیز در احادیث متعدد آمده است که از تجملات و اشرافی‌گری پرهیز شود. و بیزاری از تجمل در معماری





مساجد نیز وجود دارد.

## ۲- نوآوری و ابتکار مناسب و پرهیز از تقلید از غیرمسلمان

از آنجا که خداوند خود را خلاق «خالق» و نوآفرین «بدیع» و متنوع آفرین «بار» و نقش آفرین «مصور» و... می‌داند. هنرمند موحد نیز باید صفات الهی را در خود و کار هنری خود متجلی سازد. معماران ما توانسته‌اند ضمن رعایت مبانی و اصول و معیارهای محتوایی و معنوی کار، که غیر وابسته به شرایط زمان و مکان می‌باشد، انگاشته‌های معمارانه خود را در انواع هندسه‌ها و عناصر و اجزاء تازه و بدیع به‌وجود آورند.

در مقایسه با اغلب مکتب‌ها و سبک‌های موجود هنری و معماری که از نظر معنا و مفهوم انسانی صد در صد با هم متناقض و متفاخر و غیر واقعی و به اعتباری پیرو القائات نفسانی است و نیز زودگذر و غیراصیل است معماری دوران اسلامی با حفظ مبانی انسانی و کمال‌جوی خود، تنوع‌پذیر و بدیع و در عین حال اصول آن مانا و دیرپاست.

اسلام نیز با توصیه نسبت به عدم شباهت ظاهری با غیر مسلمان خود باعث دوری از تقلید و ایجاد تنوع و نوآوری شده است این عدم تقلید خود به ترویج دین کمک شایان توجهی می‌کند. چنانکه در روایت است خداوند عزوجل به یکی از پیامبرانش وحی نمود:

« قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَغْدَائِي وَ لَا يَطْعَمُوا مَطْعَمَ أَغْدَائِي وَ لَا يَسْئَلُوا مَسَالِكَ أَغْدَائِي فَيَكُونُوا أَغْدَائِي كَمَا هُمْ أَغْدَائِي » (ابن بابویه، علل الشرایع، ج ۲، ص ۹۵)؛ «به مؤمنان بگو جامه‌های دشمنان من را نپوشند، غذاهای آنها را نخورند و شیوه آنها را (در امور مختلف) به کار نگیرند که در این صورت مانند آنان، دشمن من می‌شوند. به تعبیر دیگر، روایت فوق درصدد بیان این نکته است که مشابهت با هر گروهی، ناخواسته انسان را به آن سو می‌کشاند.»

با توجه به سیره معماران مسلمان در ترویج دین و اشاراتی که در قرآن و روایات در این زمینه آمده است بر متولیان فرهنگی و متخصصان بخش ساخت و ساز کشور بخصوص شهرک مسکونی است که از این ابزار در تبلیغ ارزش‌های الهی و تربیت دینی جامعه دینی بهره بگیرند و بدانند که یکی از راه‌های هجوم فرهنگی دشمن، معماری وارداتی غربی است که متأسفانه اغلب شهرک‌ها و



خانه‌های مسکونی ما بدان روی آورده‌اند. سبب گسترش فرهنگ غربی و اختلاط محرم و نامحرم را در خانه‌ها فراهم کرده و موجب در دید نامحرم قرار گرفتن بانوان، هنگام فعالیت‌های درون خانه شده است.

همچنین اشراف برج‌ها بر منازل همسایگان و محدود کردن نور و دیگر مفاسدی که از این طریق گریبانگیر جامعه اسلامی است از دیگر معضلات معماری غربی و غیر اسلامی است که دقت در موارد یاد شده تأکید اسلام بر عدم تقلید از غیر مسلمان را بیشتر روشن می‌سازد.

امام صادق (علیه السلام) فرموده است: « سَمَكُ الْبَيْتِ سَبْعَةُ أَذْرُعٍ أَوْ ثَمَانِيَةٌ أَذْرُعٍ فَمَا فَوْقَ ذَلِكَ فَمُخْضَرٌ لِلشَّيَاطِينِ » (مکارم‌الاخلاق، ص ۱۲۶)؛ ارتفاع و سقف خانه، هفت یا هشت ذراع باشد، بالاتر از آن، محل حضور شیاطین است.

حضور شیاطین در ساختمان مرتفع، جای دقت و تأمل و بسیار آموزنده است.

از این حدیث و امثال آن بر می‌آید که ساختن ساختمان‌های سر به فلک کشیده و آسمان‌خراش، نكوهیده است و زیان‌های آن را از جهت گوناگون در زندگی امروزی مشاهده می‌کنیم. از جمله احاطه برج‌ها و آسمان‌خراش‌ها بر منازل همسایگان و برخی فسادهای اخلاقی ناشی از رفت و آمدهای مکرر در یک محدوده خاص (مثل آسانسورها و راهروهای مشترک) ناراحتی اعصاب و روان در پی شلوغی و سرو صداها، که همه اینها موجب سلب رفاه و آسایش می‌گردد.

در مقابل رشد عمومی بنا و ساختمان که این آفات را دارد، اسلام، نظرش آبادانی افقی و عرضی زمین است. و دلیل نکوهش اسلام از ساختن عمارت چند طبقه علاوه بر جلوگیری از فسادهای یاد شده و اشراف بر خانه‌ها و کاهش نور در ساختمان‌های مجاور و...، به انگیزه آباد شدن سطح زمین است. (محدثی، هنر در قلمرو مکتب، ص ۱۲۶)

### ۳- عدم ضرر به دیگران

در مورد ذکر این اصل در اسلام همین بس که روایات بسیاری را در این امر شاهد هستیم از جمله داستانی مربوط به انصاری و سمره بن جندب است که با قضاوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و تأکید ایشان بر اجرای این اصل، از نظر می‌گذرد.



امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: سمره بن جندب در محوطه‌ای که متعلق به یکی از انصار بود درخت خرماي بارداری داشت و راه ورود به آن محوطه از خانه مسکونی یک مرد انصاری بود، سمره برای آنکه به درخت خود سرکشی کند بدون اجازه وارد آن خانه می‌شدو به محوطه می‌رفت انصاری که از عمل سمره ناراحت شده بود از وی خواست که هر بار قبل از ورود به منزلش اجازه بگیرد ولی سمره به درخواست او توجه نکرد و همچنان بدون اجازه وارد منزل می‌شد. مرد انصاری به شکایت نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و جریان را به عرض رساند. حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) سمره را احضار کرد و گفته‌های شاکی را به اطلاعش رساند و صریحاً فرمود هر وقت خواستی از منزل انصاری عبور کنی اجازه بگیر. سمره از اطاعت امر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز ابا کرد و از قبول استجازه سرباز زد. حضرت با مشاهده این وضع پیشنهاد کرد که درخت خود را بفروشد هر چند به قیمتی بالاتر، سمره از معامله درخت نیز خورداری کرد و برای فروش آن ولو به چند برابر قیمتش نیز حاضر نشد. سپس حضرت او را به جنبه معنوی متوجه کرد و در مقابل استجازه یا فروش درخت به وی وعده پاداش اخروی داد، ولی سمره باز هم نپذیرفت در این موقع رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به مردانصاری فرمود: برو درخت را از ریشه برآور و نزد وی بیانداز که اسلام دین ضرری نیست و قانون آسمانی آن، اجازه ضرر زدن ابتدائی یا انتقامی به کسی نمی‌دهد. (فلسفی، الحدیث روایات تربیتی، ج ۳، ص ۲۵۲، به نقل از اصول کافی، ج ۵، باب ضرار، صص ۲۹۴-۲۹۲)

با تجزیه و تحلیل این قضیه و توجه به نکات آن در می‌یابیم که طبق مقررات اجتماعی اسلامی افراد جامعه در اعمال آزادی‌های فردی به نحو دلخواه مجاز نیستند و باید آسایش و رفاه شهروندان در منازلشان رعایت گردد.

ممکن است مشکلاتی از قبیل داستان سمره در عصر ما که خانه‌های مسکونی بیشتر به شکل آپارتمانی می‌باشد خیلی برای جوامع معضل محسوب نگردد اما می‌توان به مشکلاتی از این قبیل اشاره کرد که سبب سلب رفاه و آسایش می‌شود از جمله اینکه ممکن است به علت دغدغه‌های مالی و یا درآمدزایی دیوارها در حد یک تیغه باشد که این خود سبب انتقال صدا و یا سرما و گرما می‌باشد.



و یا اینکه اشراف ساختمانی بر ساختمان دیگر نیز موجب سلب آسایش همسایگان شده و این با اصول معماری اسلامی ناسازگار است.

بنابراین با رعایت و اعمال یکسری اصول در معماری، صفتی به معماری مضاف می‌شود با عنوان اسلامی که در برگیرنده همه ظرایف و نکات معماری می‌باشد

### آثار معماری اسلامی بر جسم و روان

یکی از ابزارهای تبلیغ فرهنگ دینی معماری است. اصول حاکم بر ساخت‌وساز و اماکن و نحوه ارتباط آن‌ها با هم تأثیر ویژه‌ای بر ذهنیات، خلیقات و منش افراد دارد. هنر معماری نظم دادن به فضا است. از آن‌جا که این هنر از دین و دین‌باوری سرچشمه می‌گیرد این نظم از فضای مادی به فضای معنوی گسترش می‌یابد و از طریق قدسی شدن فضا، انسان خود را در حضور خدا می‌بیند. کاربرد نقش‌ها و نوشته‌های دینی در معماری، اماکن زندگی، آپارتمان‌ها، شهرک‌ها و مانند آن را به کانون تبلیغ غیرمستقیم دین تبدیل می‌کند و یاد خدا را در متن زندگی و عبادت مردم همواره مطرح می‌سازد.

در اصول و رازهای نهفته معماری اسلامی، اثراتی برقرار است. آثاری که مستقیماً با خلیقات و منش افراد ارتباط دارد و زندگی دنیوی و اخروی آن‌ها را هم نیز متأثر می‌گرداند. آثاری که در این بخش به نحو اجمال پرداخته شده شامل آثار جسمی و روحی می‌باشد.

که در این قسمت به آثار معماری اسلامی بر جسم پرداخته می‌شود، که برخی از مهمترین آن‌ها عبارت‌اند از:

#### ۱- تأمین بهداشت و سلامت

امروزه ساختمان سازی با سرعت بسیار زیادی رو به گسترش است و هرکس در پی جدیدترین نقشه و طراحی می‌باشد تا مناسب‌ترین خانه را تهیه نماید. در این حین توجه به فرهنگ معماری اسلامی که دارای شگفتی‌ها و ظرافت‌های خاصی است تأثیر بسزایی در بهداشت و سلامت جامعه ایفا می‌کند تأمین بهداشت و سلامت در اسلام نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است چنان‌که دین



مقدس اسلام سه عامل هوای خوب، آب فراوان و شیرین و زمین صاف و نرم را برای احداث خانه مورد تأکید قرار می‌دهد. در روایت است که حضرت علی(علیه السلام) می‌فرماید:

«لَا تَطِيبُ السُّكْنَى إِلَّا بِثَلَاثِ الْهُوَاءِ الطَّيِّبِ وَالْمَاءِ الْغَزِيرِ الْعَذْبِ وَالْأَرْضِ الْخَوَّارَةِ» (حرانی،

تحف العقول، ص ۳۲۰)

مسکن گرفتن خوش نمی‌گذرد مگر به سه چیز: هوای خوش، آب فراوان و گوارا و زمین حاصل‌خیز.

در معماری اسلامی از حیث توجه به بهداشت، حتی به مکان چاه آب آشامیدنی و چاه فاضلاب و مکان سرویس‌های بهداشتی در ساختمان نیز توجه شده است.

از امام صادق(علیه السلام) است که می‌فرمایند: «الْأَيْسَ مِنْ حُسْنِ التَّقْدِيرِ فِي بِنَاءِ الدَّارِ أَنْ يَكُونَ الْخَلَاءُ فِي أَسْتَرِ مَوْضِعٍ فِيهَا» (جعفی کوفی، توحیدالمفضل، ص ۷۰) آیا نمی‌بینی که از نیکویی تقدیر خانه که آدمی بنا می‌کند آن است که بیت‌الخلاء در پنهان‌ترین جاهای خانه باشد.

توجه به ساخت حمام نیز از دیگر مواردی است که در معماری اسلامی و در روایات به آن توجه شده است. از حضرت باقر(علیه السلام) آمده است که در جایی فرمودند: سقف خانه‌ها را هفت ذراع کنید و حمام را در گوشه خانه (دور از خانه) بسازید، آن مرد گوید چنین کردیم و دیگر چیزی که ناراحت کننده باشد ندیدیم. (میرباقری، مکارم‌الاخلاق، ج ۱، ص ۲۴۲)

آنچه از موارد بهداشت و سلامت گفته شد در مساجد نیز صادق است. چراکه مسجد خانه خدا و مردمی‌ترین پایگاه بندگان صالح او می‌باشد که در طول قرن‌ها به‌عنوان مدرسه تزکیه، تعلیم و دانش، عرصه رشد و تعالی انسان‌های خداجو بوده و هست. خداوند از مسجد به‌عنوان خانه خود یاد می‌کند و خانه خدا پناهگاه بندگان اوست و به پاکیزگی و طهارت از هر مکان دیگر شایسته‌تر است، زیرا حفظ پاکیزگی مساجد بزرگداشت آن‌هاست و از آن‌جا که مسجد محل اجتماع مسلمین و برخورد آن‌ها با یکدیگر است رعایت سلامت افراد اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند چنانچه آیات شریفه قرآن کریم و احادیث و روایات نیز با تأکید بر این موضوع مسلمانان را به مراعات پاکیزگی و بهداشت و سلامت در مساجد تشویق می‌کند.



قرآن کریم می‌فرماید: ... «وَعَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» (بقره، آیه ۱۲۵)؛ «و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که: «خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع‌کنندگان و سجده‌کنندگان، پاک و پاکیزه کنید!»

## ۲- آسایش و رفاه

خانه با مطرح شدن به‌عنوان پیکره‌ای معمارانه در محیط هویت ما را محرز کرده و امنیت را بر ما ارزانی می‌دارد و سرانجام هنگام پای نهادن به آن به آسایش دست می‌یابیم. برای بشر خانه قبل از هر چیزی فضا و مکان درونی است. درونی بودن آن در رابطه با بیرون. با کوچه و خیابان، رودخانه و مزرعه و سرانجام همه هستی معنا و ارزش می‌یابد. برای او مهم‌ترین حسن خانه این است که رویا را در خود می‌پروراند و در نهایت خانه به ما این امکان را می‌دهد که در آسایش کامل به‌سر ببریم.

حدیثی در این زمینه از امام صادق (علیه السلام) است ایشان می‌فرمایند: «مردم دنیا نیازمند ۳ خصلتند: ۱- رفاه و آسایش بدون خستگی ۲- فراوانی همراه با قناعت ۳- شجاعت عاری از سستی و تنبلی» (حرانی، تحف‌العقول، ص ۳۰۲)

اسلام به رفاه عمومی افراد توجه ویژه‌ای دارد و چنانکه در باب اصول اشاره شد باید رفاه نسبی اعضای خانه فراهم باشد. رفاه نسبی می‌تواند شامل اتاق‌های مجزا، امکانات رفاهی سرمایشی و گرمایشی و... باشد.

از آن چه بیان گردید معلوم می‌شود که خانه محل قرار و استقرار و آرامش و سکون نفس و اطمینان خاطر است از این‌رو، انسان باید در محل سکونت خویش، احساس امنیت و آسایش داشته باشد، برای تأمین این احساس امنیت، نیز اقدام‌های گوناگونی لازم است از طرز معماری خانه و نداشتن اشراف بر آن و مناسب بودن همسایه‌ها گرفته، تا نحوه ارتباط دیگران و همسایگان و ترددکنندگان به خانه.

در اتاق خصوصی، نباید کسی واهمه ورود ناگهانی دیگران را داشته باشد. در خانه شخصی هم، نباید دیگران بی‌اجازه یا بی‌رضایت یا سرزده وارد شوند، اگر خانه‌ای مصون از دید زدن دیگران و چشم‌چرانی نگاه‌های



آلوده نباشد، «مسکن» نیست، بلکه عامل تشنج و اضطراب است.

این که باید بر در خانه‌ی اتاق، پرده باشد، برای جلوگیری از افتادن نگاه ناروا به درون خانه است، این که قبل از ورود به خانه‌ای باید در زد، اجازه گرفت و خبر داد، برای همین نکته است، البته هم صاحب خانه باید در تجهیز خانه‌اش و تأمین وسایلی که به این ایمنی و آرامش و آسایش کمک می‌کند بکوشد (رعایت اصول معماری اسلامی) هم رهگذران، همسایگان طبقات بالا و خانه‌های مشرف، باید نگاه خود را کنترل کنند.

قابل ذکر است که آسایش جسمی تنها به اجازه ورود و استیناس و تعبیه اندرونی در معماری اسلامی خلاصه نمی‌گردد بلکه موارد دیگری از قبیل عدم اشراف ساختمان‌های بلند و کنترل سروصدا و ... نیز وجود دارد که موجبات رفاه و آسایش را فراهم می‌سازد. و این امر در طراحی معماری اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.

در گذشته معماران اسلامی با ساخت دیوارهای محکم و ضخیم و پی‌های قوی علاوه بر تأمین امنیت سروصدا را نیز کنترل می‌کردند البته ناگفته نماند که امروزه پس از مشاهده سلب آسایش از این طریق، با بکارگیری تکنولوژی جدید، جهت رفع این آسیب‌هایی نیز برداشته شده است. با توجه به آنچه گذشت می‌بینیم که معماران اسلامی با چه ظرافت‌ها و دقت‌هایی و با توجه ویژه‌ای به احادیث اسلامی بناهای شهر و روستای خود را طراحی کرده‌اند.

### ۳- آرامش

یکی از این نیازها مسکن است که تأمین کننده آرامش افراد می‌باشد. مسکن هم‌چنان که از اسم آن پیدا است اسم مکان، بر وزن مفعول و به معنای آرامش است و سکونت که از ماده سکن است نیز به معنی آرامش می‌آید و در اصطلاح به مکانی می‌گویند که انسان در آن زندگی می‌کند. (ابن منظور الافریقی المصری، لسان‌العرب، لبنان، ج ۴، ص ۳۷۲۰)

در لغت‌نامه دهخدا مسکن چنین معنی شده است: «جای یا شش و خانه، منزل و بیت، جای سکونت و مقام و جای آرام.» (دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۳، ص ۲۰۸۸)

آرامش خانه که از نمونه‌های معماری اسلامی است از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند متعال در قرآن کریم آن را مورد توجه قرار داده و نعمت‌های خود را در این باره گوشزد کرده است.



خداوند متعال در سوره نحل خانه را محل سکینه و آرامش دانسته و می‌فرماید: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا...» (نحل، آیه ۸۰)؛ «خدا برای شما از خانه‌هایتان محل سکونت (و آرامش) قرار داد. « با توجه به این آیه می‌توان دریافت که حقاً نعمت مسکن از مهمترین نعمت‌هایی است که تا آن نباشد، بقیه گوارا نخواهد بود.

توجه به این نکته لازم است که قرآن نمی‌گوید: خانه شما را محل سکونتتان قرار داد. بلکه با ذکر کلمه "من" که برای تبعیض است می‌گوید: قسمتی از خانه و اطاق‌های شما را محل سکونت قرار داد و این تعبیر کاملاً دقیقی است چراکه یک خانه کامل خانه‌ای است که دارای مرافق مختلف باشد از محل سکونت گرفته تا محل توقف مرکب و انبار برای ذخیره‌های لازم و سایر نیازمندی‌ها.

هم‌چنان که در این آیه دیدیم دین مقدس اسلام به تمامی ابعاد و ریزه‌کاری‌ها دقت نموده یعنی علاوه بر این که مسکن در محل مناسب قرار داشته باشد به این نکته نیز دقت نموده که در خود منزل نیز مکان مستقلی به نام اطاق وجود داشته باشد که محل آرامش باشد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۴۴)

چنان که گفته شد خداوند متعال در قرآن از مسکن به‌عنوان محل آرامش یاد کرده است اما آیا هر مسکنی آرام‌بخش است؟

در پاسخ باید به اصول و قواعد معماری اسلام بازگردیم رعایت صحیح قواعد در معماری اسلامی دربردارنده آثاری است که مستقیماً با آن ارتباط دارد آثاری که شاید بتوان گفت مهم‌تر از آثار جسم بر انسان باشد چراکه واقعیت این است که؛ معماری بسیاری از رفتارهای ما را جهت‌دهی می‌کند، تا پیش از آن که بنایی ساخته شود بنا، اسیر انسان است اما پس از ساخت انسان اسیر ساختمان است. تا پیش از ساخت، ما به آن شکل می‌دهیم و پس از ساخت بنا، رفتار ما را شکل می‌دهد و بخشی از آرامش در زندگی را تأمین می‌کند.

به‌همین جهت اگر در مرحله طراحی بر اساس فرهنگ اسلامی پیش روییم میان فرهنگ اسلامی و فرهنگی که ساختمان بر ما تحمیل می‌کند تناقض پیش نخواهد آمد و آثار سوئی در برنخواهد





داشت اما اگر معماری بر اساس فرهنگ غیر اسلامی ساخته شود میان فرهنگ فرد مسلمان و فرهنگ ساختمان تناقض پیش خواهد آمد و آرامش فرد را سلب خواهد کرد.

### نتیجه بحث

نتیجه‌ای که از این پژوهش به دست می‌آید این است که: معماری اسلامی دارای تاریخچه و پیشینه‌ای می‌باشد که گره خورده به افکار و عقاید و آداب اسلامی می‌باشد. معماری اسلامی با مساجد نمود پیدا کرده است و می‌توان گفت اغلب مساجد جامع جهان از یک سبک و سیاق پیروی کرده است. در همه آنها محراب و مناره به عنوان ارکان اصلی آن به چشم می‌خورد. حتی رنگ‌ها، مقرنس، گنبد و صحن و سرای آنها از یکدیگر تبعیت کرده و هویت معماری اسلامی را به منصفه ظهور گذاشته است.

در معماری اسلامی مسکن نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مکانی که با اصول و قواعد اسلامی بنا می‌شود. اصول آن شامل دو قسم مادی و معنوی است. از جمله اصول مادی می‌توان به امنیت بنا، وسعت مسکن و بهره‌گیری از تزئینات مثبت نام برد و اصول معنوی شامل پرهیز از تجمل‌گرایی، نوآوری و ابتکار مناسب و عدم تقلید از غیر مسلمان و همچنین عدم ضرر به دیگران می‌باشد.

رعایت اصول در بردارنده نتایجی است که می‌توان به نمونه‌هایی از جمله، کسب آرامش، حفظ حیا و رسیدن به آرامش اشاره کرد.

نتایجی که برای اصول نام برده شد جزء آثار محسوب می‌گردد. که خود آثار نیز شامل آثار جسمی و روحی می‌باشد از آثار جسمی می‌توان به تأمین بهداشت و سلامت و آسایش جسمی در ارتباط با



نوع ورودی خانه‌ها و اجازه ورود و همچنین طراحی اندرونی و دالان‌ها نام برد و از آثار روحی می‌توان به آرامش و حفظ حیا و عفت در جامعه اشاره کرد.



## منابع

۱. **قرآن کریم**، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳.
۱. الاصفهانی، الراغب، **مفردات الفاظ القرآن**، تهران، الحوراء، چ چهارم، ۱۳۷۹ ش.
۲. الافریقی المصری، جمال الدین محمدبن مکرم ابن منظور، **لسان العرب**، لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۶ ق.
۳. ایروین، روبرت، **هنر اسلامی**، رؤیا، آزادفر، تهران، شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۸ ش.
۴. باوندیان، علیرضا، **حکمت هنر اسلامی**، مشهد، شاملو، ۱۳۸۲ ش.
۵. برقی، احمدمحمدبن خالد، **المحاسن**، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ هـ.ق.
۶. جعفری، بهراد، **تحف العقول**، ترجمه جعفری، تهران، اسلامیه، چ اول، ۱۳۸۰.
۷. حرّانی، حسن بن شعبه، **تحف العقول**، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۸. حر عاملی، محمدبن حسن، **وسائل الشیعه**، قم، آل البیت، ۱۴۰۹ ق.
۹. دهخدا، علی‌اکبر، **لغت نامه دهخدا**، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۰. زندی، مریم، **حکمت هنر اسلامی**، تهران، پژوهشگران نشر دانشگاهی، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. صدوق، (ابن بابویه) محمدعلی، **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**، قم، دارالرضی، ۱۴۰۶ ق.
۱۲. علّام، نعمت اسماعیل، **هنرهای خاورمیانه در دوران اسلام**، عباسعلی تفضلی، مشهد، به نشر، ۱۳۸۲ ش.
۱۳. فلسفی، محمدتقی، الحدیث، **روایات تربیتی**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.



۱۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۵ ش.
۱۵. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ج ۸، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۶۵.
۱۶. کمرهای، محمدباقر، آداب و سنن ترجمه جلد شانزدهم بحار الانوار، چ اول، تهران، اسلامی، ۱۳۶۵.
۱۷. گروه، ارنست و دیگران، معماری جهان اسلام، یعقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۷۹.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۱۰، بیروت، (لبنان)، الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۷۸.
۲۰. محدثی، جواد، هنر در قلمرو مکتب، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، چ دوم، ۱۳۷۴.
۲۱. محمدی شاهرودی، عبدالعلی، معانی الاخبار ترجمه محمدی، بی‌جا، دارالکتب اسلامی، چ دوم، ۱۳۷۷.
۲۲. مدرسی، محمدتقی، تفسیر هدایت، احمد آرام، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ ش.
۲۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵ ش.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۶۲.
۲۵. نصر، حسین، هنر و معنویت اسلامی، رحیم قاسمیان، تهران، دفتر مطالعات دینی هنر، ۱۳۷۵.
۲۶. هوکر، کریستف، تاریخ مختصر معماری، فرهاد گشایش، تهران، اوس، ۱۳۸۰.



## مقالات

۱. بمانیان، محمدرضا، مجله کتاب ماه هنر، فروردین ۱۳۸۸، ش ۱۷.
۲. دلال‌پور محمدی، محمدرضا، مسکن و ساختمان خط مشی‌ها و تنگناها، مجله زبان و ادبیات دانشکده علوم و ادبیات تبریز، ۱۳۷۳، ش ۱۵۳.

